



نقد و معرفی کتاب

تاریخ چین و ماچین و مورخ چین پژوه

سعید یاسین



یکی از بزرگترین متون مستند و ارزشمند تاریخ عمومی جهان به زبان فارسی کتاب جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله همدانی است که در نگارش این اثر سترگ روشنمندان منابع آن انتخاب و از معتبرترین متن‌ها و سندهای تاریخی قابل دسترس استفاده شده است و حتی در بخش نگارش تاریخ ملت‌های قدیم، مؤلف از منابع و کتاب‌های تاریخی هر ملت به زبان اصلی با همکاری دانشمندان و تاریخدانان همان ملت در گزینش مآخذ و ترجمه مطالب به زبان فارسی استفاده کرده و بر طبق روش و بینش تاریخ نگاری خود مطالب را تحلیل تنظیم و تألیف کرده است.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی کتاب جامع التواریخ را به تشویق و فرمان غازان خان (ح ۶۹۴-۷۰۳ هـ. ق) شروع به تألیف کرد و چنانکه مؤلف در جاهای مختلف کتاب خویش اشاره می‌کند، پیش نویس و مسوده بسیاری از مطالب تاریخ را قبل از پاک نویس کردن به نظر غازان خان می‌رسانیده و در بسیاری از موارد غازان خان اصلاحات و کاست و فزودهایی در آن انجام می‌داده است. ولی پیش از اینکه تألیف کتاب به پایان رسد، غازان خان در تاریخ ۱۱ شوال سال ۷۰۴ هـ. ق/ ۱۳۰۴ م در نزدیکی‌های قزوین دیده از جهان فروبست و برادر او اولجایتو سلطان محمد خدابنده به سلطنت رسید؛ لذا خواجه رشیدالدین نسخه ناتمام کتاب را به نظر اولجایتو رسانید، که او پس از رؤیت کتاب دستور داد به همان منوال به نام غازان تمام کند و همچنین اولجایتو به مؤلف دستور داد تا علاوه بر ادامه تألیف تاریخ مغول کتاب دیگری درباره تاریخ عمومی جهان و همچنین کتاب دیگری درباره جغرافیای عمومی جهان (صورالاقالیم) تدوین کند و این دو کتاب را بر کتاب تاریخ مغول اضافه کند.

مؤلف در مقدمه جامع التواریخ به تقسیم بندی و ذکر عنوان

بخش‌های مختلف کتاب پرداخته و آن را به سه جلد تقسیم کرده است: مجلد اول درباره تاریخ مغول که به تاریخ مبارک غازانی معروف شده است. مجلد دوم درباره تاریخ سلطان اولجایتو و درباره تاریخ عمومی جهان مجلد سوم درباره جغرافیای عمومی جهان (صورالاقالیم و مسالک الممالک).

اما تقسیم بندی مؤلف به علت حجم زیاد کتاب در دستنویس‌های جامع التواریخ رعایت نشده است و از مجلد سوم کتاب تاکنون هیچ نسخه‌ای به دست نیامده است.

این متن مهم تاریخی که جزو آثار ارزشمند و شاخص نثر فارسی در قرن هشتم نیز به حساب می‌آید همواره مدنظر محققان و مورخان قرار داشته و بخش‌های مختلف آن در نقاط مختلف دنیا به صورت تصحیح انتقادی، عکسی و یا عادی به چاپ رسیده است که عبارتند از:

جامع التواریخ، جلد دوم، در تاریخ پادشاهان مغول از اوکتای قآن تا تیمورقآن، به سعی و اهتمام و تصحیح ادگار بلوشه، لیدن، ۱۳۲۹ هـ/ ۱۹۱۱ م.

جامع التواریخ، جلد ۲، جزء ۴، تاریخ سلطان یمین الدوله محمودبن سبکتکین و اسلاف و اخلاف او و آنچه بدان متعلق است از تواریخ دیالمه و آل بویه و آل سامان به سعی احمد آتش، انتشارات انجمن تاریخ ترک، آنقره، ۱۹۵۷ م.

جامع التواریخ، جلد ۲، جزء ۵، ذکر تاریخ آل سلجوق، به سعی و اهتمام احمد آتش، انجمن تاریخ ترک، آنقره، ۱۹۶۰ م.

جامع التواریخ، جلد ۱، جزء ۱، به سعی و اهتمام آ.آ. روماسکوویچ-ل.آ. ختاقروروف. ع.ع. علی زاده، انتشارات دانش، مسکو، ۱۹۶۵ م.

جامع التواریخ، به تصحیح محمد روشن - موسوی، ۴ مجلد - نشر البرز، تهران ۱۳۷۳.

جامع التواریخ، قسمت اسماعیلیان، به اهتمام محمدتقی دانش پژوه، مدرسی زنجانی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۶.

تاریخ فرنگ از جامع التواریخ، به تصحیح کارل یان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، انتشارات کتابفروشی فروغی، تهران، ۱۳۳۹. تاریخ مبارک غازانی، داستان غازان خان، به تصحیح کارل یان، هرتفورد، ۱۹۴۰ م.

Blair, Sheila, A compendium of chronicles, Rashid al-Din's Illustrated History of the world, The Nour Foundation and Oxford University press, London, 1995

(چاپ عکسی بخشی از ترجمه عربی جامع التواریخ شامل قسمتی از بخش تاریخ چین)

یکی از بخشهایی که خواجه رشیدالدین فضل الله در کتاب جامع التواریخ خود تألیف کرده است، تاریخ چین است که در تقسیم بندی های مؤلف در مجلد دوم که درباره تاریخ سلطان اولجایتو و نیز درباره تاریخ عمومی جهان است قرار گرفته است. این بخش به جز چاپ عکسی بخشی از ترجمه عربی شامل قسمتی از تاریخ چین تا به حال به صورت علمی و با تصحیح انتقادی انتشار نیافته بود. کاله kahle یکی از چین شناسان برای نخستین بار در صدد برآمد تا بخش تاریخ چین از جامع التواریخ بر اساس ترجمه ناقص عربی، ترجمه کند ولی به علت مشکلات ناشی از خواندن و تطبیق نام های تاریخی و جغرافیایی و سایر مسائل مربوط به چین و ایرانشناسی از چاپ و انتشار ترجمه خود منصرف شد.

علت اینکه محققان تا بحال انگیزه ای نسبت به تصحیح این بخش از خود نشان نداده اند دلایل ذیل باشد:

الف) کمبود نسخه های دست نویس این بخش ناشی از نامتداول بودن مطالعه آن در بین مورخان قدیم.

ب) وجود نامهای نامأنوس و متعدد تاریخی و جغرافیایی و اصطلاحات چینی

ج) اشتباهات کاتبان در ضبط اعلام و آشفتگی ها و تحریفات فراوان در ثبت نامها

د) عدم دانش چین شناسی در میان مورخان و مصححان متأخر که بدون دانش چین شناسی فهم و ربط بین مطالب کتاب برای آنها نامشخص و نامفهوم است.

این بخش از کتاب جامع التواریخ که منبعی مهم در مطالعات چین و ایرانشناسی به شمار می آید بر آثار پیشین خود از مزیت هایی

برخوردار است، که پیش از معرفی مزیتها به بررسی معایب آثار پیشین می پردازیم.

۱. **تحریف و آشفتگی آثار:** برخی مؤلفان همچون احمدبن واضح یعقوبی اصفهانی (متوفی ۲۹۲ هـ) طی سیاحت از اشخاص آگاه اطلاعات دریافت کرده است و حتی تا نزدیکی های چین مسافرت کرده ولی مطالب او درباره چین - که از قدیمی ترین نوشته ها مربوط به چین در متن های تاریخی دوره اسلامی است - چنان دستخوش تحریف و تصحیف شده که تعیین نام های تاریخی و جغرافیایی و نیز مطالب آن با رویدادهای تاریخی چین ناممکن است.

۲. **عدم دسترسی به منابع اصلی:** برخی همچون مسعودی که فصلی گسترده تر به تاریخ چین اختصاص داده است به علت عدم دسترسی مؤلف به کتب و منابع اصلی، مطالب نگاشته شده درباره تاریخ چین پراکنده، بدون هماهنگی و نظم تاریخی است. ۳. **اقتباس از یکدیگر:** در اکثر کتبی که راجع به چین توسط مورخان ایرانی و یا عرب نگاشته شده از یکدیگر اقتباس کرده و به بیان برخی مطالب افسانه وار درباره شگفتی های چین دست یازیده اند.

۴. **توجه به مباحث جغرافیایی:** در کتابهای مروج الذهب تألیف مسعودی، زین الاخبار نگارش ابوسعید گردیزی و مجمل التواریخ و القصص از مؤلفی نامعلوم، که بخش مستقلی به چین اختصاص داده شده است جنبه تاریخی مطالب کم و بیشتر مباحث درباره جغرافیا، کالاهای، تولیدات، صادرات، توصیف و وضعیت شهرها و بندرهای بازرگانی چین است.

۵. **نگارش تاریخ چین بر اساس روایت های سامی و آریایی:** در متون تاریخی فارسی و عربی به هنگام بیان تاریخ چین به ویژه در دوران آغازین آن، برخی بر اساس روایت های سامی استناد شده و برخی بر اساس روایت های آریایی استوار شده است. در برخی از متون که در پیش ذکر آن رفت - بر اساس تقسیم حکومت بر سرزمین های جهان بین فرزندان نوح پیامبر، شاهان و فرمانروایان اسطوره ای چین ضمن فرزندان و نوادگان نوح (ع) بر شمرده اند و کتب شاهنامه، تاریخ طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، آثار الباقیه، غر اخبار ملوک الفرس، جوامع الحکایات عوفی، زراشت نامه که بر پایه روایت های آریایی و ایرانی استوار است، معتقدند که جهان از جمله چین به وسیله فریدون میان فرزندانش تقسیم شده است. [برگرفته از مقدمه کتاب]

اما مزیت کتاب جامع التواریخ در بخش تاریخ چین نسبت به

دیگر کتب عبارت از:

۱. **استفاده از منابع اصلی:** خواجه رشیدالدین نخستین مؤلفی است که در تألیف تاریخ چین مستقیماً از منابع اصلی و معتبر چینی استفاده کرده است. او در تألیف این کتاب از تاریخنامه که سه راهب بودایی بنام‌های قوبین خوشانگ [خوشانگ بخشی از شهر تای عان جو بوده است] فنجو خوشانگ از شهر فین جو و شیخون خوشانگ از اهالی لاکوین که در عهد پادشاهی چن لیوان تألیف کرده‌اند، استفاده برده است [متن کتاب صص ۸۷ و ۹۰]

۲. **استفاده از متخصصان و دانشمندان چینی:** او علاوه بر منابع و مآخذ چینی از دانشمندان و متخصصان چینی به نام‌های «لباحی» و «مکسون» که هر دو بر علم طب و نجوم و تاریخ ختای واقفند [متن کتاب ص ۸۶] و نیز مترجمان ایرانی چینی دان و آشنا به تاریخ و فرهنگ چین - که در مراکز علمی و آموزشی که خود خواجه رشیدالدین ایجاد کرده و مشغول فعالیت‌های علمی و تربیتی بوده - استفاده کرده است. همچنین از اطلاعات سپهسالار مغولی «نوبین اعظم فولاد آقا» در باب چین بهره کافی برده است [متن کتاب ص ۸۰].

۳. **نحوه نگارش:** رشیدالدین فضل‌الله در نگارش این بخش از کتاب خود نه تنها از لحاظ موضوع، بلکه از نظر ایجاز در نگارش هم تحت تأثیر منابع چینی قرار گرفته است، به طوری که با مطالعه متن کتاب و توجه به حجم آن به سادگی و بی‌پیرایگی و پرهیز از عبارت پردازی و اطناب مطالب، وقوف می‌یابیم.

* * *

خواجه رشیدالدین فضل‌الله تألیف بخش تاریخ چین از جامع التواریخ را بنابه تصریح خود سال ۷۰۴ هـ. ق به پایان رسانید [متن کتاب ص ۹۰] او هدف از نگارش این متن را تصرف سرزمین چین توسط چنگیز که واقعه مهمی بوده و نیز دستور اولجایتو به نگارش تواریخ احوال آن مملکت بیان کرده است: «پادشاه اسلام... فرمود که تاریخ مبارک را تألیف کند و بنویسد، چون ممالک مذکور را در قدیم ایام هیچ پادشاهی بیگانه مسخر نگردانیده و در آن راه مداخلت نیافته، چینگیزخان و اوروق نامدار او آن را مستخلص کرده در تحت تصرف خویش آورده‌اند و بدان سبب حکایات آن درین تاریخ آوردن ضروری بود. پادشاه اسلام... فرمود تا تواریخ احوال آن مملکت و پادشاهان آنجا بر سبیل ایجاز و اختصار الحاق کرده شود...» [متن کتاب ص ۸۶]

مؤلف در دیباچه کتاب ابتدا به بررسی اسامی و معرفی ولایات

اقوام چینی پرداخته و نام ویژگی هر ولایتی را در فرهنگ‌های چینی، مغولی، هندی و فارسی بررسی می‌کند، بطور مثال در باب نام تختگاه و سرزمین چین می‌نویسد:

«...در میان ممالک ایشان ولایتی معظم معتبر است که در اغلب اوقات تختگاه پادشاهان ایشان در آنجا بوده و آن ولایت را به زبان ایشان خان ژوجون تو می‌گویند و مغولان آن را چاقوت گفته‌اند و هندوان آن را چین می‌خوانند و نزد ما به ختای مشهور است و...» [متن کتاب ص ۸۰]

سپس در مقدمه در باب قدمت تاریخ چین اشاره دارد و متذکر می‌شود که به لحاظ بُعد مسافت هیچگاه کتب و یا دانشمندان این سرزمین «اینجا نرسیده‌اند و پادشاهان این ولایت نیز به تتبع و تفحص آن مایل نبوده و بدان التفات ننموده...» [متن کتاب ص ۸۳] او در مقدمه خود به دستور هولاکو به خواجه نصیرالدین طوسی برای تهیه زیحی که تاریخ و قواعد نجومی او و خاندانش را مشخص کند اشاره می‌کند. و مختصری از استنادات خواجه در زیج ایلخانی را نقل می‌کند و سپس به تتبعات خویش و نقد و شرح و تفصیل تواریخ اهل ختای پردازد و منبع اصلی کتاب و از محققان چینی که در تدوین و تألیف این کتاب او را یاری کردند، نام می‌برد و از شیوه نگارش، خط، تاریخ نگاری و نحوه محاسبه تواریخ چین یاد می‌کند: [متن کتاب صص ۸۴ تا ۹۱]

«و چنانچه قیاس و تحقیق رفت تواریخ سالهای بسیار ایشان که از آن حساب می‌کنند چنان است که مثلاً ما را تاریخی است از عهد آدم... و یکی از عهد طوفان نوح... و بعد از آن از روزگار اسکندر و چند تاریخ دیگر و بعد از آن تاریخ هجری و دیگر جلالی که اکنون مشهورتر آن هر دواند. هر پادشاهی و هر حادثه که بعید العهدتر باشد از تاریخ قدیم تر معلوم شود. از آن ایشان [منظور چینی‌ها] نیز هم برین نمط است. [متن کتاب صص ۹۰-۹۱]

مؤلف پس از اتمام مقدمه به معرفی و شرح تاریخ حکمروایی پادشاهان ختای و ماچین و حوادث که در عهد هر یک واقع شده [متن کتاب ص ۹۲] یعنی «از عهد اول پادشاه ایشان که آغاز تاریخ از او کرده‌اند و نام او پنگو بود تا پادشاه آخر شودی شو وسو نام که او را التان خان می‌گفتند از قوم جورج که چنگیز خان را با پدر و جد او حرب افتاد و او را بشکست...» [متن کتاب ص ۹۲] می‌پردازد.

مؤلف مدت مجموع ادوار و از زمان پادشاهی و حکمروایی شاهان چین را چهل و دو هزار و هشتصد و هفتاد و پنج سال بر شمرده است و طبقات سی و شش گانه پادشاهان آن را به ترتیب

ذیل طبقه بندی کرده است: [متن کتاب ص ۹۳]

الف) حرف پادشاهانی که جمله در مجموع آن ممالک مطلقاً پادشاه نافذ فرمان بوده اند بیست و یک طبقه چهل و یک هزار و هشتصد و هشتاد و دو سال [متن کتاب از ص ۹۳ تا ۱۳۲]

ب) حرف دوم را که مشتمل است بر ذکر پادشاهانی که در آن ممالک بعضی به مشارکت و بعضی به استقلال حاکم بودند، آغاز کنیم و مشروح و مفصل بگوئیم و چون اعتبار تاریخ و کمیت و کیفیت مقدار سالها و عدد طبقات آن پادشاهان اصلی کرده می شود، درین حرف دوم که آغاز می کنیم بیشتر ذکر پادشاهانی که در وقت خروج آن جماعت به ماچین گریختند و طبقاتی که تعداد ایشان در ملک ماچین بوده اند خواهد رفت، [مجموع سنواتی که شاهان] که در آن ممالک به مشارکت غیر پادشاه بوده اند و برخی با استقلال پانزده طبقه ۹۹۳ سال

۱- ب) آنکه مطلقاً به مشارکت غیر پادشاه بوده اند شش طبقه و این طبقات شش گانه پادشاهان اصلی اند که به جانب ماچین بودند [متن کتاب از صص ۱۳۲ تا ۱۳۸]

۱-۱) ب) ذکر طوایف پادشاهانی که بر ملک ختای و توابع آن که مجموع را چین خوانند مستولی شده بودند و معاصر آن شش طبقه پادشاهان اصلی که تختگاه در ماچین داشتند و ایشان پنج طایفه اند... و سال های تاریخ این طایفه پنج گانه موافق سال های تاریخ آن شش طبقه است مقدار آن سیصد و پنج سال [متن کتاب صص ۱۳۸ تا ۱۴۲]

۲- ب) پادشاهانی که بعضی به استقلال و بعضی به مشارکت پادشاهی کرده اند ۹ طبقه ۶۸۸ سال و جمله این طبقات در تمام این ممالک پادشاهی به استقلال کرده اند الا طبقه آخرین [متن کتاب صص ۱۴۳ تا ۱۵۱]

۱-۲) ب) آنکه در ممالک ماچین پادشاهی کردند هفت نفر ۱۵۱ سال [متن کتاب صص ۱۵۱ تا ج] ذکر پادشاهان جورجیه که به مملکت ختای مستولی شده و معاصر پادشاهان ماچین بودند نه نفر ۱۰۹ سال. [متن کتاب صص ۱۵۲ تا ۱۵۵]

بخش تاریخ چین از کتاب جامع التواریخ اخیراً توسط بانو دکتر وانگ ای دان که عنوان رساله دکتری ایشان نیز بوده است، تصحیح انتقادی و ویرایش شده است ایشان در تصحیح خود از متن فارسی بخش تاریخ چین از دستنویس جامع التواریخ در موزه بریتانیا کتابت شده به سال ۸۳۷ هـ. ق و دستنویس کتابخانه کاخ گلستان کتابت شده به سال ۱۰۷۴ هـ. ق که از معتبرترین نسخ در این موضوع هستند استفاده اصلی کرده است. او همچنین

از یگانه دستنویس ناقص ترجمه عربی جامع التواریخ، نسخه نفیس جامع التواریخ حافظ ابرو متعلق به موزه تویقاپو سرای استانبول و دستنویس فاخر و کهن روضه اولی الالباب تألیف فخرالدین بناکتی به عنوان متون جنبی و کمکی در تصحیح انتقادی خود استفاده کرده است. مصحح در مقدمه خود اشاره دارد که مرجع اصلی خواجه رشیدالدین به زبان چینی به دست نیامده است، ولی اشاره دارد که بخشهای عمده این کتاب مفقود در کتاب Fozu Lidai Tongzai سرگذشت نامه بودا در دوران مختلف تألیف نیان چانگ Nian Chang راهبی چینی اقتباس شده و نسخه آن موجود است. مصحح اشاره دارد که سراسر متن فارسی را با متن چینی به عنوان مرجع میانجی مقابله کرده است. همچنین مصحح در تصحیح این اثر ارزشمند، همه نام های تاریخی و جغرافیایی و کلمات و واژه های چینی را با مراجعه به دانشنامه ها رویدادنامه های دودمان های امپراتوری چین و سایر منابع کهن چینی تصحیح کرده، و در زیر نویس کتاب به خط چینی همراه با آوانویس به روش Pinyin ضبط کرده است. علاوه بر این مصحح در تصحیح انتقادی کتاب نام های تاریخ و جغرافیایی، اصطلاحات و واژه های چینی و مغولی اصطلاحات و واژه های فارسی و عربی که در معانی و مفاهیم نامتداول و خاص بکار رفته و برخی از مواد و مطالب و اختصاصات سبکی که احتیاج به توضیح و تفسیر داشته به مراجعه و استناد به منابع معتبر چینی و فارسی و سایر زبان ها، در بخش یادداشت ها، مطالب سودمندی را بر متن کتاب افزوده است. مصحح جایهایی که در دو نسخه کاخ گلستان و بریتانیا تصویر داشته، در متن کتاب با علائمی مشخص کرده است، همچنین مقدمه ای سودمند در شرح احوال و زندگانی و آثار خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی و فعالیت های او در عرصه چین شناسی بر کتاب افزوده است که نگارنده این مقاله برخی اطلاعات مصحح را طبقه بندی و موضوعی کرده و در اینجا ارائه داده است مصحح در انتها کتابنامه ای سودمند از منابع تحقیقی درباره خواجه رشیدالدین فضل الله و جامع التواریخ به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی، ترکی، استانبولی، ایتالیایی، فرانسه و چینی به همراه نمایه ای از اشخاص، شهرها، اماکن، اقوام، خاندان ها، نسبت ها و واژگان و نمایه ای تطبیقی از طبقه متن کتاب با دودمان ها و فرمانروایان چین ارائه شده است. این تصحیح ارزشمند تحت عنوان: تاریخ چین، از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله توسط نشر مرکز دانشگاهی تهران در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است. □